

به نام خدا

ماهنامه کاوش (۳۹)

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... می‌خواهید بحران ایران را خنثی کنید؟
- ۶..... بن‌بست ایران و نیاز به صبر استراتژیک
- ۸..... روس‌ها چگونه به ایران نگاه می‌کنند؟
- ۱۲..... اسناد ویکی لیکس درباره ایران و اعراب چه می‌گویند؟
- ۱۴..... جنگ پنهانی علیه برنامه هسته‌ای ایران
- ۱۷..... کلینتون می‌گوید تحریم‌های ایران در حال «تأثیر گذاشتن» است
- ۲۰..... آیا سیاست داخلی آمریکا می‌تواند مانع دیپلماسی اوباما درباره ایران شود؟
- ۲۳..... گفتگوهای هسته‌ای برای ایران دارای اهداف دوگانه است
- ۲۵..... آمریکا در مذاکره با ایران نیازمند روشی جسورانه‌تر است
- ۲۸..... زمان خریدن در مقابل ایران
- ۳۲..... دمکرات‌های جان سخت ایران
- ۳۴..... اسرائیل کرم استاکس‌نت را آزمایش کرده بود
- ۳۶..... اسرائیل و جدول زمانی برنامه هسته‌ای ایران
- ۳۹..... محدودیت‌های جدید هند در قبال ایران
- ۴۱..... ایرانیان واقعاً چه فکر می‌کنند؟

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۶۶۳

دفتر: مطالعات سیاسی

اسفندماه ۱۳۸۹



یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشت‌ها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سیاست‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس، در شماره ۳۹ کاوش مقالاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و سایر موضوعات جدید و مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌ها نیست. ماهنامه کاوش در همین حال جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادات اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.



عنوان: می‌خواهید بحران ایران را خنثی کنید؟^۱

نویسنده: تریتا پارسی، رضا مرعشی

منبع: Foreign Policy^۲

این گزارش به بررسی مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در استانبول پرداخته و تلاش کرده است تا با رویکردی عملگرایانه شرایط مناسب برای به نتیجه رسیدن مذاکرات با ایران را به دیپلمات‌های آمریکایی توصیه کند نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که صرف مذاکره با ایران خبری مسرت‌بخش برای رئیس‌جمهور آمریکا، باراک اوباما است که در حدود دو سال است که از ریاست‌جمهوری‌اش می‌گذرد و می‌داند که راه سخت دیپلماسی با ایران نه سریع و نه آسان است. از سوی دیگر ایرانیان همواره در مذاکرات تلاش می‌کنند با اعتماد به نفس ظاهر شوند: آنها می‌گویند که تحریم‌ها، با وجود اینکه ضربه زنده است، بر برنامه‌های اتمی ایران تأثیر نداشته است. در واقع، ایران خود را در موقعیت قوی‌تری می‌بیند و ذخیره اورانیم غنی شده با غلظت کمش بیشتر شده است، در غنی‌سازی ۲۰ درصدی پیشرفت داشته و نیروگاه بوشهر در خط تولید قرار گرفته و آغاز به کار رسمی آن به نظر می‌رسد قریب‌الوقوع باشد. از دیدگاه نویسنده واقعیت این است که هیچ‌یک از طرفین طی سیزده ماه گذشته که از دور دوم گفتگوها گذشته است، دست بالا نگرفته‌اند. در این میان اگرچه غرب، فشارهای جهانی علیه برنامه هسته‌ای ایران را زیاد کرده است تا بر تصمیمات ایران تأثیر بگذارد، اما دولت اوباما امیدی ندارد که تحریم‌ها به تنهایی بتواند ایران را وادار

1. Trita Parsi, Reza Marashi, "Want to Defuse the Iran Crisis?" Foreign Policy, 12 November, 2010.

۲. «سیاست خارجی» از نشریات معتبر حوزه روابط بین‌الملل است.

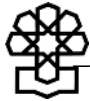


کند که روند برنامه‌های اتمی‌اش را کندتر کند.

نویسنده اشاره می‌کند دولت او با ما باید برای موفقیت در مذاکره با ایران، با دقت مذاکرات شکست خورده بر سر برنامه هسته‌ای را بررسی کند و از آنان برای آینده درس بگیرد. بر این اساس نویسنده فهرستی پنج‌گانه از دروسی که دیپلمات‌ها قبل از ورود به اتاق مذاکره با ایرانیان باید به‌خاطر داشته باشند را ذکر کرده است:

۱. نباید معامله تبادل سوخت، مذاکرات را تحت تأثیر قرار دهد: وقتی دیپلماسی همه‌جانبه، مشروط به معامله سوخت گردد، بدین معنا خواهد بود که مذاکره در خصوص موضوعات حیاتی دیگر چون افغانستان، عراق و حقوق بشر متوقف خواهد شد و این یعنی همه طرف‌ها در شرایط بدتری قرار خواهند گرفت. در آینده، هر نوع معامله متفاوتی در مورد رآکتورها باید به‌عنوان یک فرآیند تاکتیکی با ایجاد اعتماد متقابل به آن نگاه شود و نه یک استراتژی گریزناپذیر. شکست یا عدم موفقیت این معامله گویای این نیست که همه موضوعات مربوط به گفتگو ایران و آمریکا متوقف شده است.

۲. کمی از دوستانان کمک بگیرید: حل کردن مشکلات از طریق مکانیسم‌هایی که تقریباً به‌طور کامل خالی از اعتماد هستند، یک هدف دشوار است. اگرچه فرآیند شورای امنیت را نمی‌توان نادیده گرفت، ولی می‌توان آن را با تکیه بر دولت‌هایی که رابطه دوستانه با اعضای دائم شورا و ایران دارند تکمیل کرد تا بتوانند نسبت به فرآیند دیپلماتیک اعتماد ایجاد کنند. چنانچه دیپلمات‌های ترکیه و برزیل که از ماه نوامبر ۲۰۰۹ تا مه ۲۰۱۰ به‌شدت کار کردند تا این معامله سوخت را زنده نگهدارند، زمان بیشتری برای انجام دیپلماسی با ایران گذاشتند تا با گروه ۵+۱. این تجربه،



رابطه‌شان را با همه طرف‌های ذینفع در ایران قوی‌تر کرد و به آنها بینشی باارزش در خصوص دیدگاه‌های ایران داد. اگر این مذاکرات قرار است با موفقیت انجام شود، تکیه بر اعتمادی که ترکیه و برزیل ایجاد کرده‌اند، ضروری است.

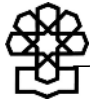
۳. با همه طرف‌ها در ایران به شکل مستقیم مذاکره کنید: آمریکا به‌عنوان تنها عضو دائمی در شورای امنیت سازمان ملل راه مستقیم برای گفتگو با ایران ندارد و در این مورد دارای نقطه ضعف است. مقامات رسمی دولت او با ما دریافته‌اند که فرصت‌های زیادی در گذشته از دست رفته است، فرصت‌هایی که تنها اگر آمریکا و ایران می‌توانستند مستقیماً با هم گفتگو کنند، می‌توانسته به نجات معامله تبادل سوخت بیانجامد. برای پیشرفت سریع، به ایجاد چنین کانالی نیازمندیم و همچنین این اعتقاد که گفتگو تنها راه ممکن می‌باشد نیز ضروری است. در صورتی که فقط همان یک کانال اصلی به سمت ایران باز شود، فشارها باید از بین برود زیرا که فشار آوردن به سیستم سیاسی ایران برای رسیدن به نتیجه‌ای فوری غالباً باعث می‌شود که پاسخ آنها «نه» باشد. بنابراین اولین قدم به سمت تقویت تلاش‌های دیپلماتیک، تغییر سیاست عدم تماس است که دیپلمات‌های آمریکایی را از روبرو شدن با همکارانشان منع می‌کند.

۴. حقوق بشر را فراموش نکنیم: تقلیل ۳۰ سال تنش میان ایران و آمریکا به یک مذاکره تک‌متغیره، شیوه موفقی نیست. زمانی که بحث باز می‌شود و گفتگوها ادامه می‌یابد، آمریکا باید به نقض حقوق بشر در ایران اشاره کند.

۵. دولت او با ما باید وارد گفتگویی با ایران بشود که بر روی منافع طولانی‌مدت با ایران متمرکز باشد همچنین باید سرمایه‌گذاری‌های سیاسی لازم را بر رسیدن به



موفقیت انجام دهد: اگر دولت آمریکا با اولین نشانه‌های سختگیری‌های سیاسی یا با مخالفت کنگره که هر دو قابل پیش‌بینی هستند، عقب‌نشینی کند بهتر است اصلاً وارد اولین دور مذاکرات نشود. یک خصومت نهادینه شده که طی ۳۰ سال به وجود آمده است را نمی‌توان با چند جلسه و در چند هفته فرو ریخت. هیچ‌یک از طرفین نباید توقع داشته باشند که اولین پیشنهاد مورد قبول واقع شود. یک نسل از مقامات در آمریکا و ایران کارشان این بوده است که چطور طرف مقابل را آزار بدهند. اگر اولین تلاش برای باز کردن این قفل نتیجه فوری نداد، بازگشت به راه گذشته بسیار آسان است. موفقیت زمانی میسر است که دیپلمات‌ها بخواهند بازی طولانی‌تر را بازی کنند و اولویت را روی صبر و پیشرفت بلندمدت و نه بر مبنای راه‌حل‌های کوتاه‌مدت راضی‌کننده نیروهای سیاسی داخلی چه در تهران، چه در واشنگتن ببینند.



عنوان: بن‌بست ایران و نیاز به صبر استراتژیک^۱

نویسنده: باربارا اسلاوین

منبع: Atlantic Council^۲

نویسنده در این مقاله معتقد است که احتمالاً اوباما تمرکز روی مسائل داخلی ایران را جزو اولویت‌های اصلی خود قرار خواهد داد. تمرکز روی مسائل داخلی ایران همزمان با پیشنهاد تعامل با حکومت ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. مخالفان در ایران، تنها کسانی هستند که در نهایت می‌توانند تغییرات سیاسی را در این کشور ایجاد کنند و فضای سیاسی در ایران حاکم شود که از طریق آن اطمینان خاطر حاصل شود که ایران به دنبال ساخت جنگ‌افزارهای هسته‌ای نیست. این تعامل با مخالفان در ایران دربرگیرنده افزایش امکان دسترسی ایرانی‌ها به مؤسسات آموزشی آمریکا و دیگر مبادلات دانشگاهی است و اینکه به سازمان‌های غیردولتی آمریکا اجازه داده شود در فعالیت‌های بشردوستانه در داخل ایران در حوزه‌هایی از قبیل پیش‌بینی زمین‌لرزه و درمان معتادان و مبتلایان به مواد مخدر مشارکت داشته باشند. نویسنده ادامه می‌دهد: دولت آمریکا همچنین باید نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کند و از سازمان ملل متحد بخواهد نظارت دقیق‌تری بر عملکرد ایران در زمینه حقوق بشر داشته باشد و احتمالاً این کار را از طریق انتصاب نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در این حوزه انجام بدهد. باراک اوباما و دیگر مقامات بلندپایه آمریکا باید بیش از این از مخالفان در ایران حمایت لفظی کنند. در عین حال واشنگتن می‌تواند بر

1 Barbara Slavin, "The Iran Stalemate and the Need for Strategic Patience", Atlantic Council, 8 November, 2010.

۲. «شورای آتلانتیک» از پایگاه‌های تحلیلی مسائل بین‌المللی است.



حمایتش از برنامه‌هایی بیافزاید که دسترسی ایرانی‌ها را به اینترنت و برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای تسهیل می‌کند تا اینکه ایرانی‌ها بتوانند اخبار به دور از غرض‌ورزی را دریافت کنند و به راحتی با دیگر جهانیان ارتباط داشته باشند. نویسنده ادامه می‌دهد: واشنگتن رویکرد تشدید فشارها را در پیش گرفته است و انرژی دیپلماتیک آن بیشتر بر روی اعمال تحریم‌ها بر ضد ایران و نه تلاش برای رسیدن به توافق با تهران متمرکز بوده است.

نویسنده در ادامه به آسیب‌شناسی استراتژی دوران بوش درباره ایران پرداخته است. وی در این مورد می‌نویسد: بوش در سال پایانی دوران ریاست‌جمهوری‌اش با حضور آمریکا در مذاکرات چندجانبه با ایران موافقت کرد که در قالب آن به ایران، مشوق سیاسی و اقتصادی در قبال تعلیق برنامه غنی‌سازی اورانیم آن پیشنهاد شد. البته ایران این پیشنهاد را رد کرد. نویسنده یادداشت خود را در نهایت با این توصیه تمام می‌کند که آمریکا باید درباره ایران «صبر استراتژیک» در پیش بگیرد و از هرگونه واکنش بیش از اندازه در مقابل ایران خودداری کند زیرا که می‌تواند تحولات سیاسی ایران را به عقب براند. تحولات سیاسی ایران می‌تواند این کشور را در وضعیتی قرار بدهد که بار دیگر جایگاه بر حق خودش را به‌عنوان بازیگر عمده منطقه‌ای باز یابد و از این نقش برای کمک به صلح و شکوفایی شهروندان خودش و مردم جهان استفاده کند.



عنوان: روس‌ها چگونه به ایران نگاه می‌کنند؟^۱

نویسنده: دیمیتری ترنین، آلکسی مالاشنکو

منبع: Carnegie^۲

نویسندگان در این گزارش به تحلیل مناسبات ایران و روسیه و نقش آمریکا در آن پرداخته‌اند. به نظر آنها باید توجه داشت که هیچ دولتی در ایران درباره برنامه هسته‌ای ایران و برچیده شدن آن به مذاکره نخواهد پرداخت. از آنجا که دموکراسی‌ها به سمت ملی‌گرایی حرکت می‌کنند ایران دموکراتیک، احتمالاً به برنامه هسته‌ای‌اش به چشم نمادی از تولد مجدد در داخل و تثبیت جایگاه بین‌المللی‌اش نگاه خواهد کرد. در این میان باید به نقش چین و الگوی رفتار روسیه نیز توجه داشت. چین به‌صورت فزاینده‌ای به بازیگر اصلی در منطقه خاورمیانه و مسائل مربوط به ایران تبدیل شده است. چین به‌صورت کاملاً عملگرایانه به ایران نه تنها به چشم یک تأمین‌کننده اصلی انرژی نگاه می‌کند، بلکه ایران را کشوری می‌داند که منابع نفت و گاز آن می‌تواند از طریق زمینی به مناطق غربی چین برسد و در نتیجه احتمال خرابکاری در مسیر دریایی توسط نیروی دریایی آمریکا و هند برای محموله‌های انرژی چین از بین برود. روسیه بازیگر حاشیه‌ای مهمی در بازی ایران است. روسیه نمی‌تواند به‌صورت مستقیم بر رفتار ایران تأثیر بگذارد و در عین حال نمی‌تواند در نقش واسطه میان ایران و آمریکا عمل کند، اما روسیه در مقام همسایه ایران و شریک آن در

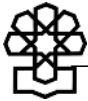
1. Dmitri Trenin, Alexey Malashenko, "Iran: A View From Moscow", Carnegie Report, October, 2010.

۲. «مؤسسه کارنگی» از مراکز پژوهشی معروف که طیف گسترده‌ای از مسائل بین‌المللی را بررسی می‌کند.



همکاری‌های نظامی و حوزه انرژی هسته‌ای و یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد این موقعیت را در اختیار دارد که شخصیت‌هایی را در ایران تشویق کند که تقابل با آمریکا را دنبال می‌کنند یا از کسانی در ایران حمایت کند که به دنبال مصالحه و سازش هستند. تاکنون روسیه هیچ انتخاب روشنی در این زمینه انجام نداده است.

روابط روسیه با ایران بسیار مبهم است. در طول تاریخ، روابط روسیه با ایران آمیخته با روابط تجاری دوجانبه، رقابت‌های تلخ منطقه‌ای و رقابت ژئوپلیتیک روسیه با کشورهای دیگر برای کسب سلطه بر ایران بوده است. مسکو به‌گونه‌ای عمل کرده است که از یک‌سو در مناسباتش با ایران و از سوی دیگر در روابطش با آمریکا نوعی توازن را حفظ کند. روسیه فناوری‌های پیشرفته را به ایران نداده است تا غرب را راضی نگاه دارد و از سوی دیگر با ایران همکاری‌های نزدیکی داشته و به همین دلیل، خشم آمریکا را به جان خریده است. بی‌تردید روسیه به هیچ وجه علاقه ندارد ایران به جنگ‌افزارهای هسته‌ای و ابزار لازم برای استفاده از این جنگ‌افزارها دست پیدا کند. اگر چنین اتفاقی رخ بدهد توازن راهبردی و سوق‌الجیشی منطقه از قفقاز گرفته تا آسیای میانه به شدت بر ضد مسکو تغییر خواهد کرد. روسیه از اوایل قرن نوزدهم بر این مناطق مسلط بوده است و حتی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق موقعیت قوی خود در این مناطق را حفظ کرده است. مسکو درباره مسائلی از قبیل رژیم حقوقی دریای خزر و مرزهای منطقه که مسائل مشکل‌ساز با ایران هستند، نگاه‌های خاص خودش را دارد. اگر ایران به توان هسته‌ای دست پیدا کند روسیه دیگر نمی‌تواند به اختلاف‌هایی که در این زمینه با تهران دارد به راحتی بی‌توجهی کند.



در واقع ایران هسته‌ای رقیب منطقه‌ای بسیار جدی‌تری برای روسیه در مناطقی از قفقاز گرفته تا تاجیکستان خواهد بود. قابلیت هسته‌ای می‌تواند فضایی در اطراف ایران ایجاد کند به طوری که کشورهای همسایه‌ای از قبیل ترکمنستان مجبور باشند سیاست‌های مطلوب تهران را در پیش بگیرند. این وضع می‌تواند بر مسائل سوق‌الجیشی انرژی در اطراف دریای خزر تأثیر بگذارد. با آنکه ایران به نظر روسیه عامل راهبردی با اهمیت منطقه‌ای است، روسیه به نظر ایران ابزاری برای تضعیف سیاست‌های آمریکا به شمار می‌رود. از سوی دیگر مقامات ایران در محافل خصوصی و در برخی مواقع در محافل نه‌چندان خصوصی به شدت از روسیه ابراز انزجار می‌کنند به همین خاطر صبر روسیه در قبال ایران پایان یافته است.

حضور باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید سبب شد فرصت بهتری برای مسکو فراهم شود تا رویکرد کلی‌اش را درباره نظم بین‌المللی به مناسباتش با آمریکا و ایران مرتبط کند. باراک اوباما دکمه آغاز مجدد روابط آمریکا با روسیه را فشار داده است و در روند حذف برخی از عوامل ناراحت‌کننده اصلی برای روسیه از قبیل توسعه ناتو و عضویت اوکراین و گرجستان در آن و حذف سامانه دفاع موشک‌های بالستیک آمریکا در اروپا حرکت کرده است. ظاهراً او برای روسیه رئیس‌جمهوری است که مسکو می‌تواند با وی به تعامل بپردازد. مسکو که از موضع باراک اوباما مبنی بر پرهیز از گزینه تغییر رژیم در ایران و حمله نظامی به این کشور رضایت داشت در نوامبر ۲۰۰۹ ژوئن و ۲۰۱۰ با اعمال تحریم‌های اقتصادی محدود بر ضد ایران موافقت کرد. در اواسط سال ۲۰۰۹ روسیه قرارداد تحویل پنج سری از سامانه دفاع هوایی «اس-۳۰۰» به ایران را لغو کرد. یک سال بعد نیز روسیه به



قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد بر ضد ایران رأی داد که اساساً صدور تسلیحات سنگین به ایران را ممنوع کرده است. اینکه این قرارداد در زمان به اوج رسیدن تنش‌های آمریکا و روسیه منعقد شد و زمان کاهش تنش مسکو و واشنگتن متوقف شد به‌روشنی گویای آن است که مناسبات آمریکا و روسیه چگونه بر سیاستگذاری‌های مسکو درخصوص ایران تأثیر می‌گذارد. براین اساس روسیه، به ایران به چشم کشور درحال افزایش موقعیت و قدرت با بلندپروازی‌های زیاد نگاه می‌کند و نه اینکه ایران را کشوری بداند که بخواهد دشمن روسیه باشد. بنابراین روسیه با هیچ‌گونه اقدام نظامی بر ضدایران همراهی نخواهد کرد. همچنین روسیه تلاش خواهد کرد در مناقشه‌های اصلی جهان امروز مواضع خنثی اتخاذ کند. این سخن به معنای آن است که هرگونه اقدام نظامی احتمالی آمریکا یا اسرائیل بر ضدایران سبب خواهد شد روسیه خودش را از عاملان حمله دور کند و هرگونه استفاده از قوه قهری را بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد محکوم کند. البته این سخن به معنای آن نیست که روسیه در چنین شرایطی ایران را به آغوش خود خواهد کشید، بلکه روسیه خود را برای مواجهه با موج‌های شوکی آماده خواهد کرد که حمله احتمالی به ایران در منطقه خاورمیانه به‌وجود خواهد آورد.



عنوان: اسناد ویکی لیکس درباره ایران و اعراب چه می‌گویند؟^۱

نویسنده: مارک لینچ^۲

منبع: Foreign Policy

نویسنده در مورد اسناد منتشر شده ویکی لیکس می‌نویسد تمامی مباحث مربوط به اسناد ویکی لیکس تحت تأثیر نیویورک تایمز منتشر شده و تأکید این نشریه بر مقدار کمی از این اسناد است که نشان از صحبت‌های ضدایرانی مقامات عرب، در محافل خصوصی دارد. بسیاری از جنگ‌طلبان موضوع این صحبت‌ها را نشانه قصد واقعی اعراب برای جنگ دانسته‌اند، اما این تنها نشان‌دهنده قسمت کوچکی از اسناد منتشر شده است. اسنادی که تا به حال منتشر شده است، نشان می‌دهد که بسیاری از رهبران عرب نگران افزایش قدرت ایران هستند و از ایالات متحده می‌خواهند که مشکلشان را حل کند، بنابراین در محافل خصوصی اردنی‌ها، مصری‌ها و رهبران کشورهای خلیج فارس به تفصیل از بی‌اعتمادی به ایران داد سخن داده‌اند. اما آنها از تلافی ایران در هراسند و از درون درباره چگونگی مقابله با مسئله ایران اختلاف دارند و مصرند دیدگاه‌های خصوصی‌شان به بیرون درز نکند. افکار عمومی اعراب، برخلاف سال‌ها تبلیغات ضدایران در رسانه‌های وابسته به عربستان و انتقاد از سیاست خارجی این رژیم‌ها، مشخصاً ضدجنگ با ایران است. برای مثال در ماه فوریه از رئیس دفتر وزارت خارجه کویت نقل شده است که «کویت‌ها نگران اقدام نظامی پیشگیرانه هستند، زیرا به باور آنها قاطعانه نخواهد بود و

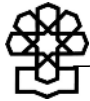
1. Marc Lynch, "What the WikiLeaks cables really say about Arabs and Iran", Foreign Policy, Monday, 29 November, 2010.

۲. «سیاست خارجی» از نشریات و پایگاه‌های معتبر تحلیلی مسائل بین‌المللی است.



ایران را به ضربه زدن به منافع آمریکا در خلیج فارس وا می‌دارد. وزارت خارجه عربستان نیز تأکید کرد که: «پیشنهادش قویاً بر علیه اقدام نظامی به‌منظور خنثی کردن برنامه ایران است». به‌عبارت دیگر، دیگر رهبران عرب در همان حال که مایلند نفوذ ایران زیر نظر باشد عموماً به‌شدت مخالف اقدام نظامی هستند که ممکن است اقدام تلافی‌جویانه ایران را در پی داشته باشد.

در میان اسناد ویکی لیکس حتی نمونه‌های بیشتری هست که از میل این کشورها به خودداری از اعلام موضع عمومی حکایت دارد. حسنی مبارک در محافل خصوصی از حمایت ایران از تروریسم شکایت دارد اما سپس می‌گوید: «این مسئله واضح است اما نمی‌توانم به‌طور عمومی اعلام کنم. این کار موقعیت خطرناکی به‌وجود خواهد آورد». یک مقام اسرائیلی به همتای آمریکایی خود می‌گوید: «اماراتی‌ها حاضر نیستند آنچه را به‌طور خصوصی می‌گویند عمومی مطرح کنند. کویته‌ها از هر پیشنهادی که بتواند برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند استقبال می‌کنند، اما نمی‌خواهند با درخواست مصرانه و عمومی این کار خود را در معرض خشم ایران قرار دهند. بنابراین کسانی که انتظار دارند این رژیم‌ها نقش رهبری آشکار برای حمله به ایران را بپذیرند ناامید خواهند شد. نکته اینجاست که رهبران عرب در مورد چگونگی عکس‌العمل به مسئله ایران یکدست نبوده و نامطمئن هستند و از اتخاذ موضع عمومی قدرتمند هراسناکند. به بیان دیگر، اشتباه است که اشارات خصوصی چند تن از شخصیت‌های سیاسی عرب در محافل خصوصی را بدون توجه به اینکه آیا این اشارات بازتاب توافق درونی رژیم‌هایشان هستند یا نه و آیا در لحظه پیش آمدن بحران سیاسی به شکل عمومی و آشکار تکرار خواهند شد یا نه بزرگنمایی کنیم.



عنوان: جنگ پنهانی علیه برنامه هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: کریستوفر دیکی

منبع: Newsweek^۲

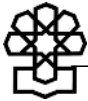
نویسنده ضمن بررسی مشخصات و جزئیات ترور دو دانشمند هسته‌ای ایران و حمله کرم رایانه‌ای «استاکس‌نت» به سیستم‌های کنترل مراکز هسته‌ای ایران، می‌نویسد که اگرچه ترورها شاید جلوه‌ای خشونت‌آمیزتر از جنگ پنهان علیه برنامه هسته‌ای ایران را به نمایش بگذارند ولی حقیقت این است که کرم «استاکس‌نت» تهدیدی خطرناک‌تر است. نیوزویک با مرور جزئیات دو ترور دانشمندان هسته‌ای ایران آنها را عملیاتی بسیار دقیق توصیف کرده که جزئیات آن با شیوه کار دستگاه‌های جاسوسی با سابقه‌ای مانند «موساد»، شباهت فراوانی دارد. از نظر نویسنده، جنگ پنهانی تا به این حد ملموس و علنی تاکنون سابقه نداشته و حقایق مزبور به آن هنوز هم در ابهام است. اما یکی از اهداف سازمان‌های جاسوسی باسابقه دقیقاً ایجاد یک چنین فضایی است. آنها معمولاً مسئولیت اقداماتی را که خود انجام داده‌اند برعهده نمی‌گیرند ولی اگر موردی که کار آنها نبوده به آنان نسبت داده شود آن را تکذیب نمی‌کنند. جنگ روانی و ایجاد سردرگمی بخشی از این نوع جنگ‌های پنهان است. هفته‌نامه نیوزویک از قول کارشناسان امنیتی مستقل می‌نویسد که احتمالاً دولت یکی از کشورهای متخاصم با ایران، عملیات ترور دانشمندان را اجرا کرده و دولت دیگری هم مجری

1. Christopher Dickey, R. M. Schneiderman, Babak Dehghanpisheh, "The Shadow War", Newsweek, 13 December, 2010.

۲. از نشریات پرتیراژ آمریکایی است.



حمله سایبری استاکس‌نت بوده، ولی لزوماً این دو اقدام در هماهنگی با یکدیگر نبوده‌اند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که ترورها احتمالاً اقدام اسرائیل و حمله سایبری عملیات خرابکارانه دولت آمریکا بوده است. برخی دیگر می‌گویند حملات سایبری می‌توانسته از بریتانیا، فرانسه و حتی آلمان هدایت شده باشد. نویسنده در ادامه مطلب خود تأکید می‌کند که از بین دو روش جنگ پنهان علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران، حمله سایبری با کرم «استاکس‌نت» به مراتب خطرناک‌تر است. به اعتقاد کارشناسان امنیتی این مورد را باید آغازگر دوران جدیدی از جنگ‌های مدرن دانست چون نتیجه حمله «استاکس‌نت» به مراکز حساس هسته‌ای ایران بیشتر از حملات متعارف با تسلیحات نظامی مثل بمب و یا موشک بود. مقامات هسته‌ای اسرائیل نیز در گذشته در محافل خصوصی به وجود برنامه‌هایی برای اخلاف و تخریب در مراکز کنترل برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرده بودند. به نظر می‌رسد از چند سال پیش عملیات خرابکارانه و پنهانی در دستور کار قرار گرفته تا با تأخیر در پیشرفت هسته‌ای ایران فرصت بیشتری برای فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی فراهم شود. در این میان، کارشناسان امنیتی و ایمنی کامپیوتر معتقدند که این کرم اینترنتی محصول هزاران ساعت کار دقیق و با پشتوانه مالی و لجستیکی فراوان تولید شده است. چون شبکه کامپیوتری مراکز هسته‌ای ایران به اینترنت متصل نیستند این کرم از طرق «یو.اس.بی» یا حافظه سیار به ایران منتقل شده است. طراحان این کرم اینترنتی حتماً دستگاه‌های مشابهی با آنچه که در ایران به کار برده می‌شود در اختیار داشته‌اند تا بتوانند عملکرد این کرم را دقیقاً برنامه‌ریزی کنند. مختصات کار این بدافزار طوری تنظیم شده که از اول ماه ژوئن سال ۲۰۱۱ دیگر قادر نخواهد بود از نقطه ضعف‌های



موجود در سیستم عامل میکروسافت بهره‌برداری کند و عمر مفید این کرم در ماه ژوئن سال ۲۰۱۲ به پایان خواهد رسید. طراحان و یا دولت مسئول این حمله سایبری به این وسیله خواسته‌اند از برملا شدن منشأ شیوع و ارسال این کرم پرهیز کرده و یا امیدوار بوده‌اند که قبل از کشف این بدافزار، خودش نابود شود. نویسنده در پایان یادآوری می‌کند که اگر چنین حملاتی در آینده ادامه یافته و یا تکرار شود ممکن است هدفگیری آن به دقت و تمرکز مورد «استاکس‌نت» نباشد. یک احتمال این است که در آینده دیگران با به‌کارگیری برخی از عناصر «استاکس‌نت» و یا الهام گرفتن از آن حملات سایبری مشابهی را علیه اهداف دیگری به اجرا گذارند. درست مثل سایر جنگ‌افزارهایی که در طول قرن بیستم اختراع و به کار گرفته شدند ممکن است در این مورد نیز دامنه استفاده از جنگ‌افزارهای سایبری آنقدر گسترش یابد که دامن طراحان و سازندگان آن را نیز بگیرد.



عنوان : کلینتون می‌گوید تحریم‌های ایران در حال «تأثیر گذاشتن» است^۱

نویسنده: جی سولومان

منبع: Wallstreet Journal^۲

ارزیابی‌های اخیر در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها تحت تأثیر تحریم‌ها و اقدامات تخریبی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران کند شده است. در این زمینه هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، اخیراً به یک کمپین بین‌المللی گفته است که کند کردن برنامه مشکوک سلاح‌های هسته‌ای ایران موفقیت‌آمیز بوده است. این اولین بار است که یک مقام ارشد دولت او با ما به صورت علنی چنین ادعایی را مطرح می‌کند. در واقع علیرغم اینکه لنون پانتا، رئیس سازمان سیا، سال گذشته برآورد کرد که ایران به محض تصمیم سیاسی برای اتمی شدن تنها به دو سال زمان احتیاج دارد تا سلاح هسته‌ای تولید کند، اما اظهارات اخیر برخی مقامات آمریکایی از جمله کلینتون نشان می‌دهد که ارزیابی‌های جدید آمریکا از برنامه هسته‌ای ایران، متفاوت از تحلیل‌های گذشته آن است این درحالی است که مقامات آمریکا هیچ توضیحی ارائه نداده‌اند که سیا و دیگر سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده در حال اصلاح و تعدیل قضاوت‌هایشان باشند. در هر حال اظهارات جدید در مورد کند شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر کارآمدی تحریم‌ها و تخریب‌ها در روند هسته‌ای شدن ایران تأکید دارد چنانچه کلینتون از مشکلات تکنیکی ویژه‌ای نام برد که تهران در راه‌اندازی سانتریفیوژهایی که سوخت هسته‌ای تولید می‌کند با آن مواجه شده است.

1. Jay Solomon, Clinton Seeks to Pressure Iran, 10 January, 2011.

۲. «والاستریت ژورنال»، از نشریات پرتیراژ آمریکایی است.



او افزایش تحریم‌های بین‌المللی را که در سال‌های اخیر برای ایجاد تأخیر در فعالیت هسته‌ای ایران علیه این کشور وضع شده است، مورد تأیید قرار داد. کلینتون همچنین تأکید کرد که تازه‌ترین تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌ها کار کرده‌اند. این تحریم‌ها شرایط را برای پیگیری جاه‌طلبی‌های هسته‌ای توسط ایران، بسیار سخت‌تر کرده‌اند. بنابراین براساس بهترین ارزیابی‌های جدید آمریکا، روند فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران کند شده است پس آمریکا هنوز زمان لازم را برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران در اختیار دارد، اما این زمان خیلی زیاد نیست.

از دیدگاه نویسنده، این ارزیابی کلینتون از برنامه هسته‌ای ایران به دنبال اظهارات مقامات ارشد اسرائیلی مبنی بر اینکه ایران حداقل چهارسال با توانایی تولید سلاح هسته‌ای فاصله دارد صورت می‌گیرد. این اظهارات نشان از عقب‌نشینی قابل توجه و مهم تعدادی دیگری از مقامات اسرائیلی دارد که در گذشته تأکید داشتند که ایران امسال می‌تواند یک بمب اتمی داشته باشد. در این زمینه میر داگان، رئیس سابق سرویس اطلاعات اسرائیل، درستی تحریم‌ها و عملیات مخفی علیه ایران برای کند کردن فعالیت هسته‌ای این کشور را مورد تأیید قرار داده است این اظهارات سبب شده است که براین اساس مقامات رسمی دولت آمریکا اخیراً به صورت محرمانه اعلام کنند که آنها باور دارند که ایران با مشکلات عمده‌ای برای به دست آوردن مواد خام برای ارتقای سانتریفیوژهایی که در غنی‌سازی اورانیم مورد استفاده قرار می‌گیرد، مواجه شده است. آنها به‌ویژه از کمبود موادی همچون فیبر کربن و ماراجین استیل - نوعی آلیاژ سخت مستحکم - نام برده‌اند که عامل مهمی در ساخت مجراهای گرداننده سانتریفیوژها و سیستم‌های پایدارکننده است که سانتریفیوژها را از شکستن محافظت می‌کند.



از سوی دیگر، براساس اظهارات مقامات غربی در ماه‌های اخیر، یک کرم کامپیوتری که مشهور به استاکس نت است به تأسیسات غنی‌سازی اورانیم در نظنز حمله کرده و باعث شده که سانتریفیوژهای آن به صورت موقت از کار بیافتند. با این وجود، بسیاری از مقامات آمریکا به دلیل ترس از اینکه چنین ارزیابی‌هایی می‌تواند راه حل بین‌المللی برای پیروی از تحریم‌های شدیدتر علیه ایران را سست کند، تمایلی به صحبت علنی درباره این پیشرفت‌ها ندارند. چنانچه کلینتون تأکید کرد که کندتر شدن برنامه زمانی ایران برای توسعه تکنولوژی هسته‌ای‌اش نباید باعث ضعیف شدن تمرکز جامعه بین‌المللی بر این کشور شود. کلینتون همچنین هشدار داده که ایران شاید در جستجوی شعله‌ور کردن مناقشه در بخش‌های مختلف خاورمیانه باشد تا توجه‌ها را از برنامه هسته‌ای و نزاع‌های سیاسی داخلی خود منحرف کند. اما با این وجود: «اگرچه مسلماً ایران اگر بتواند توجه‌ها را از تصمیمات داخلی خودش مبنی بر پیگیری برنامه سلاح هسته‌ای منحرف کند، بسیار خوشحال خواهد شد اما آمریکا نمی‌تواند اجازه دهد که این توجه منحرف شود و نمی‌تواند اجازه دهد که هر نفوذ و تأثیر خارجی باعث بروز مناقشه در خاورمیانه شود، با این وجود کلینتون بر این مسئله تأکید کرده که دولت او، با گفتگو با ایران و به علاوه مذاکرات بین اسرائیل و فلسطین را دنبال می‌کند تا طغیان ناگهانی جنگ در منطقه خاورمیانه را دفع کند زیرا که جنگ، نگرانی‌های طولانی‌مدت را حل نخواهد کرد».



عنوان: آیا سیاست داخلی آمریکا می‌تواند مانع دیپلماسی اواما درباره ایران شود؟^۱

نویسنده: تونی کارون

منبع: Time^۲

نویسنده با اشاره به محدودیت‌های سیاست داخلی آمریکا برای دولت این کشور در مورد مذاکره با ایران می‌نویسد درحالی که سعید جلیلی، مذاکره‌کننده پرونده هسته‌ای ایران با کاترین اشتون، رئیس دیپلماسی اتحادیه اروپا، دیدار کرد، گروهی از سناتورهای برجسته آمریکایی، از جمله جان کایل، جو لیبرمن، کیرستن جیلبرند و جان مک کین، به رئیس‌جمهور اواما نامه نوشتند و از او خواستند هرگونه پیشنهادی دایر بر حفظ توان غنی‌سازی اورانیم در ایران را رد کند. در این نامه آمده بود: «کاملاً ضروری است ایالات متحده و شرکایش به این مهم توجه کنند که با توجه به فریبکاری و عدم همکاری دولت جمهوری اسلامی، نباید امکان انجام هیچ‌گونه فعالیت غنی‌سازی یا بازفرآوری اورانیم در خاک ایران در آینده قابل پیش‌بینی باشد. ما به شدت مخالف آن هستیم که پیشنهادات دیپلماتیک به‌گونه‌ای رقم خورد که امکان ادامه این فعالیت‌ها، به هر شکل ممکن را به وجود آورند».

نامه سناتورها به دنبال بیانیه‌ای از هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا بود که به تغییر مواضع مذاکراتی ایالات متحده اشاره می‌کرد. او در این یادداشت پیشنهاد کرده که یک رهیافت دیپلماتیک می‌تواند انجام غنی‌سازی اورانیم در ایران را

1. Tony Karon, "Could U.S. Politics Hinder Obama's Iran Diplomacy?" Time, Friday, 10 December, 2010.

۲. از هفته‌نامه‌های معتبر بین‌الملل است.



برای مصارف صلح‌آمیز شامل شود، به شرطی که ایران «اطمینان جامعه بین‌المللی را درخصوص اینکه برنامه‌اش اهداف نظامی را دنبال نمی‌کند جلب نماید». او طی مصاحبه‌ای به بی.بی.سی اظهار داشت: «آنها می‌توانند غنی‌سازی اورانیم را به صورت ضمنی در آینده ادامه دهند، به شرطی که شیوه‌ای مسئولیت‌پذیر اتخاذ و تعهدات بین‌المللی خود را در این امر لحاظ کنند».

در گزارشات رسانه‌ای آمده است که دیپلمات‌های اروپایی درحال معامله با جمهوری اسلامی بودند، که در صورتی‌که ایران نگرانی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مربوط به عدم شفافیت را برطرف کند و امکان انجام بازرسی‌های دقیق‌تر و سرزده را به‌وجود آورد، می‌تواند به غنی‌سازی اورانیم خود ادامه دهد.

دولت بوش، به همراه اسرائیل و فرانسه، معتقد بود که نمی‌توان به برنامه غنی‌سازی صلح‌آمیز ایران اطمینان کرد، زیرا این برنامه، اصول فنی لازم برای تولید جنگ‌افزارهای هسته‌ای را در صورتی‌که ایران مصمم شود ظرف یک یا دو سال به‌وجود می‌آورد و راه را برای خروج از پیمان منع گسترش، به مانند کره شمالی - که در سال ۱۹۹۴ از این پیمان خارج شد - هموار خواهد کرد. سناتورهایی که برای اوپاما نامه نوشتند نیز به وضوح همین عقیده را دارند، هرچند که این نظر تمامی کشورهای که علیه تهران تحریم وضع کرده‌اند یا شخصیت‌های تأثیرگذاری که در واشنگتن به نبود راه‌حل دیپلماتیک در منصرف کردن ایران برای غنی‌سازی صلح‌آمیز هشدار داده‌اند نیست. کالین پاول، وزیر پیشین امور خارجه آمریکا، به یکی از مصاحبه‌کنندگان گفت: «مسئولان ایرانی مصمم به داشتن یک برنامه هسته‌ای هستند. توجه داشته باشید که من نمی‌گویم سلاح هسته‌ای. آنها علیرغم تلاش‌های ما طی شش



یا هفت سال گذشته برای بازداشتنشان از برنامه هسته‌ای، همچنان مصمم به داشتن برنامه اتمی هستند». او همچنین افزود که هدف واقع‌گرایانه‌تر این است که ایران را به نظارت بیشتر روی برنامه‌اش و ایجاد اطمینان در نیات‌اش که می‌گوید صلح‌آمیز است مجاب کنیم.

تا زمانی که غرب نتواند نظام ایران را به تسلیم - که تاکنون نامحتمل به‌نظر می‌رسد - وادارد، نوعی مصالحه درخصوص غنی‌سازی به شیوه دیپلماتیک می‌تواند تنها راه‌حل ممکن محسوب شود و اظهار نظر کلینتون نشان می‌دهد که دولت ممکن است برای تحقق این شیوه گام بردارد. ولی شخصیت‌های قدرتمند در واشنگتن درحال صف‌بندی هستند تا اوپاما را از انجام این بازی منصرف کنند. با توجه به عدم اطمینانی که بین آمریکا و ایران وجود دارد و با توجه به تردیدی که در منتقدین داخلی اوپاما دیده می‌شود، احتمالاً برای هرگونه معامله بلندمدت درخصوص مسئله اتمی هنوز سال‌ها زمان نیاز است. ولی بازهای آمریکایی (جنگ‌طلبان) همچنان هشدار می‌دهند که زمان درگذر است و باید برای اتخاذ تدابیر شدیدتر شتاب کرد.



عنوان: گفتگوهای هسته‌ای برای ایران دارای اهداف دوگانه است^۱

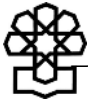
نویسنده: ری تکیه

منبع: Los Angeles Times

نویسنده با اشاره به برگزاری دور دیگری از مذاکرات بین ایران و گروه ۵+۱ می‌نویسد: دیپلماسی جمهوری اسلامی یک تعادل بسیار شکننده بین اهدافی متناقض و رقابت‌آمیز است. برای مدیریت این تناقض، ایران به دنبال یک روند طولانی از مذاکره است که در خلال آن ممکن است امتیازهای کوچکی بدهد ولی در اصول فعالیت‌های هسته‌ای خود معامله نخواهد کرد. در حقیقت، انگیزه اصلی حکومت ایران برای شرکت در این مذاکرات ارتباط چندانی با پرونده هسته‌ای ندارد بلکه هدف آن ایجاد شکاف در جامعه بین‌المللی، کاهش فشارهای مالی و اقتصادی ناشی از تحریم‌ها است. نویسنده می‌نویسد: هدف دیگر ایران از ورود به این دور از مذاکرات، متوقف کردن تحریم‌هاست. با وجود انکار حکومت، شواهد نشان می‌دهد که این تحریم‌ها تأثیر بسزایی بر اقتصاد بیمار ایران داشته‌اند. حکومت ایران امیدوار است که با ژست مذاکره، بار دیگر در صفوف جامعه بین‌المللی شکاف انداخته و به‌عنوان مثال چین و یا روسیه را به‌سوی مخالفت با تشدید تحریم‌ها جلب کند. آمریکا و متحدان اروپایی آن مصمم هستند که فشار را بر ایران ادامه دهند ولی اگر ایران بتواند خود را به‌عنوان یک طرف مذاکره جدی مطرح کند، ممکن است سایر کشورها در تداوم تحریم تردید

1. Ray Takeyh, "Nuclear Talks Serve Dual Purpose for Iran", Los Angeles Times, 5 December, 2010.

۲. لس‌آنجلس تایمز از نشریات پرتیراژ آمریکایی است.



کنند. با این وجود، دولت آمریکا باید مسئله حقوق بشر و وضعیت مخالفان حکومت ایران را به‌طور جدی در مذاکرات با ایران بگنجانند.

از سوی دیگر برای حکومت ایران، برگزاری گفتگوهای همه‌جانبه با قدرت‌های بزرگ جنبه‌های مثبت دیگری نیز دارد. ایران با تلاش برای گنجاندن مسائلی مثل بحران در عراق و افغانستان در دستور مباحثات به اعراب نشان خواهد داد که دولت آمریکا نقش ایران در ایجاد ثبات در منطقه را به رسمیت پذیرفته است. یک چنین مضمونی برای مذاکرات، دولت‌های عربی را بیش از پیش نگران کرده و مناسبات آمریکا با متحدان منطقه‌ای خود را تضعیف خواهد کرد. همه این موارد، احتمال تحقق یک تفاهم و مناسبات عادی بین غرب با رهبران فعلی ایران را زیر سؤال می‌برد. تعهد ایران به وعده‌هایش فقط تا زمانی واقعاً ادامه خواهد یافت که برای آن کشور مفید باشد. در پایان این تحلیل، نویسنده یادآوری می‌کند که تنها راه برون‌رفت از این چرخه باطل، تأثیرگذاری جدی بر سیاست داخلی خود ایران است. اهرم تحریم‌های بین‌المللی مهم است ولی به تنهایی کافی نیست. اگر دولت آمریکا و متحدانش سیاست خود را به جنبش مخالف دولت ایران نزدیک‌تر کنند، واشینگتن از اهرم فشار لازم برای تحت تأثیر قرار دادن طرف ایرانی برخوردار خواهد شد. تا آن زمان، دیپلمات‌های آمریکایی روزها و هفته‌ها باید وقت صرف کنند که شاید به یک توافق دست یابند. توافقی که در نفس خود هیچ تضمینی نخواهد داشت.



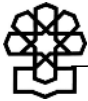
عنوان: آمریکا در مذاکره با ایران نیازمند روشی جسورانه‌تر است^۱

نویسنده: الی هینونن

منبع: Foreign Policy

نویسنده در تحلیلی از سیاست‌های راهبردی آمریکا در قبال ایران خاطرنشان می‌کند که عدم پیشرفت سریع در مذاکرات هسته‌ای اخیر بار دیگر برخی از تحلیلگران و سیاستگذاران آمریکا را به طرفداری از سیاست «تغییر رژیم» سوق خواهد داد. در مقابل گروه دیگری نیز از سیاست حمایت از جنبش مخالفان دولت ایران به‌عنوان بهترین راه برای تغییر سیاست خارجی حکومت ایران و روی کار آمدن حکومتی مسئول دفاع می‌کنند. نویسنده در نقد این دو گرایش می‌نویسد که سیاست تغییر رژیم عملاً به معنای حمله نظامی و جنگ با ایران است که می‌توان نتایج فاجعه‌بار آن را به خوبی پیش بینی کرد. از سوی دیگر با وجود آنکه احتمال تحول دمکراتیک در سیاست داخلی ایران می‌تواند به نفع منافع راهبردی آمریکا باشد، واشینگتن نمی‌تواند مبانی سیاست خود در قبال ایران را بر این اساس بنا کند، چون تغییرات سیاسی در داخل ایران، مکانیسم خاص خود را دارد و ممکن است روندی بسیار طولانی باشد. به نوشته این گزارش، گام اول در بنای یک سیاست استراتژیک موفق در قبال ایران این است که تزلزل و دوگانگی مرسوم در روش دولت سابق آمریکا را کنار گذاشته و از بندبازی بین جنگ یا صلح دست برداشته شود. دولت‌های آمریکا، چه جمهوریخواه و چه دمکرات، تحت عنوان سیاست «مهار» ایران گاه تهدید و خصومت پیشه کرده و گاه

1. Olli Heinonen, Can the Nuclear Talks With Iran Be Saved? 27, January, 2011.



گام‌های تشویقی برداشته‌اند. برای تنظیم نوعی سیاست خارجی یکدست و همه‌جانبه باید نگرانی‌ها در مورد سیاست داخلی آمریکا را کنار گذاشت. نویسنده در مجموع سیاست باراک اوباما در قبال ایران را که بر اساس دو محور اعمال فشار و بازنگه داشتن در گفتگو و دیالوگ است مثبت ارزیابی کرده، ولی یادآوری می‌کند که اگر تحریم و گاه گفتگو هر دو ابزار هستند، باید هدف‌هایی که از این طریق در جستجوی آن هستیم، مشخص‌تر شوند. اگر هدف متوقف کردن بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران است باید مشخص کنیم که هدف از ادامه یا حتی تشدید تحریم‌ها زمینه‌سازی برای جنگ است یا بستری برای تداوم مذاکره؟ چون نباید تردید داشت که با تحریم ایران نمی‌توان رفتار و نظر رهبران آن کشور را تغییر داد. دولت باراک اوباما در مورد این نکته مهم و اساسی، صراحت کامل ندارد. شاید هم اوباما در هراس از انتقادات در سیاست آمریکا یا حفظ جلوه‌ای قاطع و رونکردن دست خود در مورد مذاکرات استراتژیک با ایران، شروط یا امتیازهایی را که حاضر است به ایران بدهد هنوز اعلام نکرده است. از سوی دیگر رفتار حکومت ایران و بی‌توجهی به پیام‌های آمریکا و تداوم خصومت‌ورزی حکومت آن کشور عملاً راه را بر تفاهم بسته است. نویسنده پیش‌بینی می‌کند که همزمان با کاهش حمایت از سیاست گفتگو با ایران در محافل سیاستگذاری آمریکا احتمالاً بار دیگر بر راه‌حل «تغییر رژیم» تأکید خواهد شد و در سال آینده، نظر مجلس نمایندگان و سنای آمریکا به این سمت خواهد چرخید. رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، علناً اعلام کرده است که «جنگ با ایران، حکومت و ملت ایران را متحد کرده و برنامه‌های هسته‌ای و تسلیحاتی ایران را پنهانی‌تر خواهد ساخت». مراکز مشورتی مجالس آمریکا نیز در راستای همین دیدگاه، هشدار داده‌اند که «جنگ علیه ایران،



منطقه خاورمیانه را بی‌ثبات کرده و منافع استراتژیک آمریکا را به خطر خواهد انداخت. علاوه بر آن، باعث تقویت جناح بسیار تندرو در حکومت ایران و از دست رفتن کوچک‌ترین روزه‌های امید برای اصلاحات سیاسی خواهد شد». البته کاری که دولت آمریکا در این زمینه می‌تواند انجام دهد تبدیل کردن مسئله حقوق بشر و دمکراسی به یکی از محورهای مهم و ثابت مذاکره با حکومت ایران است. نویسنده پیش‌بینی می‌کند که در دهه آینده تحولات سیاسی در ایران محصول روندی کلافه‌کننده و کند از یارگیری و رقابت‌های جناحی در درون حاکمیت خواهد بود و نه جنبشی مردمی که علیه حاکمیت دست به اقدام بزند. اگر آمریکا در آرزوی تحولی دمکراتیک از پایین باشد، عملاً بذر تغییرات سیاسی در ایران را نابود خواهد کرد. ولی اگر آمریکا به سیاست گفتگو ادامه داده که ایران و آمریکا را از موضع دشمنی به موضع همزیستی دیپلماتیک برساند آمریکا قادر خواهد شد که توان و ظرفیت‌های موجود در ایران برای تحول آرام و درونی را تقویت کند. بنابراین می‌توان امیدوار بود که سال ۲۰۱۱ نه سال جنگ، بلکه سال احیای فعال روند دیپلماتیک برای حل بحران هسته‌ای ایران باشد. با این وجود اگر آمریکا روشی جسورانه‌تر را در مذاکرات و تماس گسترده با ایران دنبال نکند در نهایت راهی جز پذیرفتن ایران به‌عنوان قدرتی هسته‌ای برایش باقی نخواهد ماند. در این شرایط، گفتگوی اخیر هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا، با شبکه بی.بی.سی که در آن موافقت مشروط آمریکا با برخورداری ایران از انرژی هسته‌ای را اعلام کرد گامی به جلو بود. اما دولت باراک اوباما با وجود تمام مشکلات در خود آمریکا و در خارج باید در این سیاست خود با قاطعیت بیشتری به پیش برود.



عنوان: زمان خریدن در مقابل ایران^۱
نویسنده: دیوید ایگناتیوس
منبع: Washingtonpost^۲

اگرچه برنامه هسته‌ای ایران یکی از مهمترین نگرانی‌های آمریکا و اسرائیل محسوب می‌شود، اما ارزیابی‌های اخیر در مورد کند شدن روند هسته‌ای ایران از شدت نگرانی مقامات آمریکا و اسرائیل کاسته است چنانچه هم‌اکنون دولت باراک اوباما به این نتیجه رسیده که برنامه اتمی ایران با ترکیب چند عامل از جمله اقدامات تخریبی و نیز فشار تحریم‌ها کند شده است و به همین دلیل دولت آمریکا معتقد است فضای کمی به‌دست آمده که به‌جای تفکر به اقدام نظامی، می‌توان از آن استفاده کرد. مقامات اسرائیلی هم فکر می‌کنند زمان بیشتری برای بررسی و اجرای سناریوهای مختلف در مقابله با برنامه هسته‌ای ایران به‌دست آمده است چنانچه موشه یعلون، معاون نخست‌وزیر اسرائیل در گفتگویی در ۲۹ دسامبر با رادیو اسرائیل تأکید کرده که غرب حدود سه سال دیگر برای توقف برنامه اتمی ایران فرصت دارد. وی همچنین گفته است که بروز برخی مشکلات برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران باعث شده زمانبندی اهداف اتمی ایران به هم بریزد. در این زمینه میر داگان، رئیس سابق موساد، سازمان جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیل هم در آخرین روزهای ریاست خود تأکید کرده که ایران تا سال ۲۰۱۵ قادر به ساخت بمب اتمی نخواهد بود، زیرا «برخی مسائل برای آنها روی داده است». یک مقام ارشد دولت اوباما هم به مشکلات ایران در برنامه اتمی خود اشاره

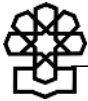
1. David Ignatius, Buying time with Iran, Washingtonpost, 9 January, 2011.

۲. از نشریات پرتیراژ و معتبر آمریکایی است.



کرده و گفته است که ایران به آن سرعتی که ما از آن هراس داشتیم، حرکت نمی‌کند. این‌گونه ارزیابی‌ها باعث شده است که حادثه‌ترین مسئله استراتژیک سال گذشته میلادی، کمی از آن تب و تاب بیافتد. در واقع اگرچه تابستانی که گذشت، آمریکا و اسرائیل در تب اقدام نظامی علیه ایران بودند و سخنان جفری گولدبرگ در مورد اقدام نظامی علیه ایران جدی بود اما این تب دیگر فرونشسته است.

نویسنده در ادامه تأکید کرده است که آنچه مشخص است این است که ابزارهایی از جمله تخریب و تحریم، خیلی از اهدافی که قرار است با حمله نظامی به آن رسید را - بدون اینکه هزینه‌های حمله نظامی را داشته باشد - فراهم می‌کند، هرچند آمریکا گفتگوی دیپلماتیک را هم دنبال می‌کند، ولی این راه همان راهی است که ایران هم آن را تعقیب می‌کند در واقع ایرانی‌ها هم در چند فاز به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. با این وجود، مقامات رسمی آمریکا از اقدامات مخفی درباره تخریب و حمله و یا جنگ سایبری که علیه ایران به راه افتاده حرفی نمی‌زنند. اما شما بدون هیچ‌گونه اطلاعی، ناگهان با خبر از کارافتادن سانتریفیوژها در نطنز روبرو می‌شوید که نشان می‌دهد هدف برنامه مخفیانه، درست دنبال شده است. در این زمینه نویسنده معتقد است که مهمترین تأییدی که نشان داد حمله‌های تخریبی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران جواب داده، واکنش رئیس‌جمهور ایران بود که در ماه نوامبر اعلام کرد ویروس کامپیوتری استاکس‌نت، باعث خسارت به سانتریفیوژهای نطنز شده است. احمدی‌نژاد در این زمینه گفت که غرب موفق شده مسئله‌ای درست کند که سانتریفیوژهای فعال ما در نطنز را کاهش دهد. آنان این ویروس را روی قطعات الکترونیکی نصب کرده بودند». انستیتو علوم و امنیت بین‌المللی در ۲۲ دسامبر سال گذشته میلادی در گزارش کاملی



از ویروس استاکس‌نت اعلام کرد که این ویروس به شماری از قطعات الکترونیکی در ایران حمله کرده که روی «مبدل فرکانس» سوار شده و سرعت چرخش را تغییر می‌دهد و آن را مختل می‌کند. به گزارش این تحقیق، ویروس استاکس‌نت اوایل سال ۲۰۰۹ معرفی شده و در اوایل سال ۲۰۱۰ فعال شده است و باعث شده ایران یک هزار سانتریفیوژ را از دور خارج کند که بسیار فراتر از نوعی از کارافتادگی معمولی است. برخی از کارشناسان به یکی از کدهای این ویروس اشاره کردند که نام آن DEADFOO7 است و یادآور یکی از کدهای فیلم‌های جیمزباند است. استاکس‌نت یکی از مجموعه حمله‌هایی بود که علیه برنامه اتمی ایران صورت گرفت. گزارش یاد شده می‌گوید: این‌گونه حملات مخفیانه تأثیر گسترده‌ای در فعالیت سانتریفیوژهای ایران داشته است.

از دیدگاه نویسنده، هرگونه ایجاد وقفه در برنامه اتمی ایران از این جهت مهم است که به غرب امکان هشدار بیشتری برای دستیابی ایران به بمب اتمی می‌دهد. ارزیابی غرب این است که ایران با فاصله رسیدن به غنی‌سازی ۹۰ درصد برای ساخت بمب اتمی هنوز فاصله دارد و در صورت رسیدن به این مرحله از غنی‌سازی که قابل ردیابی است، هنوز یک سال برای ساخت بمب اتم نیاز دارد. با این وجود، ایران می‌تواند کاری کند که مقامات آمریکایی از آن به‌عنوان راه مخفی یاد می‌کنند - مانند ساخت مرکز مخفی غنی‌سازی در نزدیکی قم یا استفاده از دیگر راه‌های جایگزین برای غنی‌سازی مانند استفاده از لیزر و یا آب سنگین - اما در حال حاضر این توانمندی در دسترس ایران نیست و امکان دستیابی به فناوری نوین از سوی کشورهای مثل روسیه بسته شده و ایرانی‌ها بدون این امکان، قدرت ساخت



تأسیسات پیچیده و پیشرفته را ندارند. در این شرایط، دولت اوباما راه گفتگو با ایران را نیز باز نگه داشته است، اما خبر واقعی این است که تهران با فناوری‌های پیچیده‌ای برای کند کردن روند هسته‌ای شدن خود روبرو است که سبب شده غرب بتواند برای مدتی نفس راحتی بکشد.



عنوان: دمکرات‌های جان سخت ایران^۱
نویسنده: ایلان برمن
منبع: American Foreign Policy Council^۲

نویسنده با اشاره به آشوب‌های بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ می‌نویسد: از همان ابتدای شکل‌گیری اعتراضات در ایران در پی انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ بسیاری از تحلیلگران غربی پایان آن را اعلام کردند. در یک سال گذشته تعداد زیادی از کارشناسان امور ایران چنین استدلال کرده‌اند که اختلافات درونی جنبش مخالفان دولت در ایران، باعث شکست این جنبش شده و بنابراین آمریکا راه دیگری ندارد جز گفتگو و برقراری تماس با نظام جمهوری اسلامی. به عقیده نویسنده، برخی از رسانه‌های غربی در پوشش خود از روزهای تاسوعا و عاشورا در اواسط ماه دسامبر با اشاره به حضور کم‌رنگ نیروهای مخالف به این نتیجه رسیده‌اند که جنبش دمکراسی‌خواهی در ایران از رمق افتاده است و برخی دیگر نیز چنین ادعا کردند که حداقل در زمینه بسیج گسترده مردم برای برگزاری تظاهرات، جنبش سبز اکنون کارآیی و قدرت اقدام خود را از دست داده است. نویسنده در ادامه مطلب خود استدلال‌ها و تحلیل‌های خود را در مخالفت با این نتیجه‌گیری‌ها ارائه داده و در ابتدا می‌نویسد که شکی نیست که حرکات و تظاهرات گسترده‌ای که در تابستان ۲۰۰۹ ایران را فراگرفته بود به شکل چشمگیری فروکش کرده است. دمکراسی‌خواهان ایران از یک رهبری واحد و مداوم بی‌بهره هستند و فقدان یک دیدگاه یا استراتژی مشترک

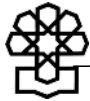
1. ILAN BERMAN, Iran's Die-Hard Democrats, American Foreign Policy Council, 11 January, 2011.

۲. «شورای آمریکایی سیاست خارجی»، از مراکز پژوهشی محافظه‌کار آمریکایی است.



وحدت و یکپارچگی این جنبش را در بلندمدت تضعیف کرده است.

نویسنده در ادامه به سخنان دادستان تهران اشاره می‌کند که چندی پیش از محاکمه «رهبران فتنه» خبر داد و گفت: رهبران فتنه بدون شک محاکمه خواهند شد و اتهامات علیه آنها بسیار بیشتر از آن مواردی است که تصورش را می‌کنند». از دیدگاه نویسنده، هدف از این تهدیدها، ساکت کردن رهبران جنبش سبز است. به همین خاطر دستگاه قضایی ایران اکنون به شدت از سوی محافل تندرو تحت فشار است تا رهبران اصلاح طلب را محاکمه کند. بخشی از این اقدامات ممنوع کردن سفرهای خارجی این افراد است. نویسنده در ادامه مطلب خود خاطرنشان می‌کند که جناح محافظه کار از هم اکنون به فکر اعمال نظر در انتخابات دوره بعدی مجلس ایران است و به همین خاطر اصلاح طلبان را خائن و طرفدار سرنگونی حکومت اسلامی معرفی می‌کنند. نویسنده معتقد است رهبران نظام جمهوری اسلامی برخلاف بسیاری از سیاستگذاران و تحلیلگران در غرب، این نکته را به خوبی می‌دانند که معترضان ممکن است در موقعیت دشواری قرار گرفته باشند، اما نیاز واقعی و گسترده جامعه ایران به دمکراسی - که جنبش سبز نمادی از آن بود - ادامه دارد.



عنوان: اسرائیل کرم استاکس‌نت را آزمایش کرده بود^۱

نویسنده: ویلیام برود

منبع: NYTimes^۲

نویسنده معتقد است تأخیر به وجود آمده در برنامه هسته‌ای ایران، نتیجه آزمایش مشترک اسرائیلی - آمریکایی است، زیرا بدافزار «استاکس‌نت»، که به روند غنی‌سازی اورانیم در ایران ضربه زده است، ابتدا در کوره هسته‌ای دیمونای اسرائیل آزمایش شده بود. به عقیده نویسنده کوره هسته‌ای دیمونا به مدت دو سال به آزمایشگاهی برای اطمینان از کار کردن بدافزار استاکس‌نت تبدیل شده بود. اسرائیل در تأسیسات دیمونا، سانتریفیوژهای مشابه با دستگاه‌های گریز از مرکز ایران را که در تأسیسات غنی‌سازی نطنز نصب شده است، تولید کرده بود. براساس این گزارش، اسرائیل و آمریکا بدافزار مخرب استاکس‌نت را بر روی این سانتریفیوژهای مشابه آزمایش کردند. یک کارشناس اطلاعات هسته‌ای آمریکایی در این زمینه تأکید کرده است دلیل اینکه کرم رایانه‌ای استاکس‌نت، مؤثر واقع شد، نتیجه موفق آزمایش‌ها بر روی همان نوع سانتریفیوژها بود. در واقع هرچند اسرائیل و آمریکا درباره کوره دیمونای محصور با سیم‌های خاردار در صحرای نقب در جنوب این کشور هیچ‌گاه سخنی نمی‌گویند، اما پس از تلاش‌هایی که ابتدا در آمریکا صورت گرفته بود، طرح مشترک آزمایش‌ها در دیمونا عملی شد. از چند ماه پیش که خبر اثرگذاری این کرم رایانه‌ای

1. William J. Broad, John Markoff and David E. Sanger, Israeli Test On Worm Called Crucial in Iran Nuclear Delay, NYTimes, 15 January, 2011.

۲. از نشریات پرتیراژ آمریکایی است.



در تأسیسات اتمی ایران منتشر شده است، انگشت اتهام در قریب به اتفاق گزارش‌های جهانی، متوجه موساد اسرائیل و نیز آمریکا بوده است. نویسنده معتقد است این بدافزار اثر ویرانگری داشته و حتی اگر همه سانتریفیوژها را از کار نینداخته باشد، اما دستکم یک‌پنجم از آنها را نابود کرده است. کارشناسان اطلاعاتی و هسته‌ای معتقدند که به دلیل آزمایش‌های صورت گرفته، اثر ویروس بسیار قوی‌تر از میزانی بوده که می‌شود تصور کرد. ویروس استاکس‌نت دو کار را انجام می‌دهد، اول: دادن فرمان به سانتریفیوژ است که از نظم کار خود خارج شده و از کنترل خارج شود و دوم اینکه روال کار عملیاتی تأسیسات هسته‌ای ایرانی را ثبت و مستند کند ولی در گزارش خود به مدیریت ایرانی تأسیسات ظاهراً چنین نشان دهد که نحوه کار کاملاً درست و عادی بوده است این درحالی است که عملاً سانتریفیوژها با شتاب بسیار شکسته می‌شدند. نویسنده ادعا کرده است که در کنار همکاری آلمانی‌ها با اسرائیل و آمریکا، بریتانیایی‌ها نیز سهمی در این تلاش مخرب علیه ایران داشته‌اند. به نوشته این روزنامه، جرج بوش، اندکی پیش از ترک کاخ سفید، فرمان آغاز طرح عملیاتی مخفی را برای ضربه زدن به تأسیسات نطنز صادر کرد و باراک اوباما پس از برنده شدن در انتخابات و حتی قبل از آنکه عملاً به کاخ سفید برسد، از سوی کارشناسان اطلاعاتی آمریکا در جریان ماجرا قرار گرفت.



عنوان: اسرائیل و جدول زمانی برنامه هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: پال پیلار

منبع: The National Interest^۲

برخی از مقام‌های اسرائیلی اخیراً در مورد وضعیت برنامه هسته‌ای ایران، که اسرائیل همیشه از آن به‌عنوان مهمترین خطر امنیتی دوران یاد کرده است، اظهاراتی کرده‌اند که به شکل قابل ملاحظه‌ای اطمینان‌بخش است. در این زمینه، پیش از سال نو معاون نخست‌وزیر موشه یالون تأکید کرد با توجه به مشکلات فنی و تحریم‌ها رسیدن به توانایی نظامی هسته‌ای ایران تا سه سال دیگر - یعنی زمانی بیشتر از آنچه مقام‌های اسرائیل تصور می‌کردند - مقدور نیست. از سوی دیگر رئیس بازنشسته موساد، میر داگان نیز گفته است که دستیابی ایران به بمب اتمی حتی از این هم دورتر است. در واقع، ایران این قابلیت را - حتی اگر تلاش‌های جامعه جهانی برای اعمال فشار بر ایران همین فردا متوقف شود - تا سال ۲۰۱۵ خواهد داشت، داگان گفته است که اگر این تلاش‌ها ادامه پیدا کند ظرفیت نظامی اتمی ایران حتی بیشتر به تعویق می‌افتد. نویسنده با توجه به تناقض اظهارات اخیر و صحبت‌های هشداردهنده پیشین که شنیدن آن از اسرائیل عادت شده بود، توجیحات زیر را در این رابطه مطرح می‌کند.

۱. این اظهارات کمابیش بازتاب مستقیم تحلیل‌های اسرائیلی‌ها از وضعیت برنامه هسته‌ای ایران است (در واقع لازم نیست هر اظهار نظر مقام‌های رسمی اسرائیل با این تصور باشد که در راستای پیگیری یک هدف خاص گفته شده است) بلکه این اظهار

1. Paul Pillar, Israel and the Iranian Nuclear Timetable, The National Interest 7 January, 2011.

۲. از نشریات وابسته به جناح نومحافظه‌کار آمریکاست.



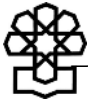
نظرات آنان منعکس‌کننده واقعیات نیز می‌تواند باشد.

۲. این اظهارات، برای متخصصان و سیاستگذاران اظهاراتی در جهت بزرگ جلوه دادن خود هستند به این معنی که آنها براساس آن و برای کم کردن سرعت برنامه ایرانی‌ها برای خود کسب اعتبار می‌کنند. در این زمینه، برای موساد به‌طور اخص ممانعت از برنامه هسته‌ای ایران سال‌هاست که یک هدف عمده محسوب می‌شود. در واقع، برای داگان که از سال ۲۰۰۲ رئیس موساد بوده است، هر دستاوردی برای تخریب و فشار بر تلاش‌های ایران یک امتیاز محسوب می‌شود.

۳. آنچه که می‌شنویم ممکن است اندیشه‌های پخته اسرائیلی‌ها باشد که متوجه شده‌اند توسل به نیروی نظامی بر علیه ایران ممکن است منافع اسرائیل را در کنار منافع دیگران به خطر بیندازد و در نتیجه به‌دنبال آن هستند که گزینه نظامی را از سایر گزینه‌ها حذف کنند.

۴. رهبران اسرائیلی متوجه شده‌اند که هراس‌آفرینی و اظهارات جنگ‌طلبانه درباره ایران تأثیرات مخربی بر جامعه اسرائیلی و اعتماد عمومی دارد و لازم است که فتیله جنگ‌طلبی را کمی پایین کشید به‌ویژه هراس‌آفرینی به مهاجرت از اسرائیل دامن خواهد زد که یکی از ترس‌های اساسی رهبران اسرائیل است.

۵. اسرائیلی‌ها سعی دارند نشان دهند که تحریم‌ها علیه ایران تأثیرگذارند این مسئله لاجرم به این معناست که تحریم‌ها باید ادامه یابند و حتی تشدید شوند. در این زمینه یالون به‌طور خاص، می‌گوید که تحریم‌ها دلیل اصلی کندی برنامه اتمی ایران بوده است. اظهارات اسرائیلی‌ها از این جنبه رد سخنان رئیس‌جمهور ایران مبنی بر پیشرفت‌های هسته‌ای آن کشور است.



۶. این اظهارات بیشترین همسویی را با فرآیند سیاسی آمریکا و البته آنچه انتظار می‌رود اسرائیل مطابق با آن رفتار کند را دارد. در واقع، مسئله، مسئله زمان است. سیاستگذاران اسرائیل، حمله نظامی آمریکا را به حمله اسرائیل ترجیح می‌دهند، زیرا توانایی‌های آمریکا از نظر عملیاتی بسیار عملی‌تر و مؤثرتر است. اما اسرائیلی‌ها تحت حاکمیت دولت فعلی آمریکا چنین چیزی را انتظار ندارند. بنابراین آنها از هم‌اکنون چشم به راه سال ۲۰۱۳ هستند و امید به روی کار آمدن حاکمیت جدید دارند که به مذاق آنها سازگارتر است و به پیشنهادات آنها توجه بیشتری دارد. اسرائیل لابی‌گری خود را برای برنامه هسته‌ای ایران برای وقتی ذخیره می‌کند که اثر مطلوب را در پی داشته باشد، در همین حال متعادل کردن لحن هشداردهنده در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران منطقی است، زیرا از تبدیل به چوپان دروغگو شدن اسرائیل جلوگیری می‌کند و تأثیر آن را برای موقعیت مناسب در آینده افزایش می‌دهد.

هرکدام از تحلیل‌های بالا دارای درجه‌ای از اعتبار هستند. ترکیب این تبیین‌ها با هم هرچه باشد، نباید زیاد به پیغام‌های خوش‌درون آنها دلخوش شد، زیرا سرانجام تنها مسئله زمانبندی است. روزهای تصفیه حساب با ایران به تعویق افتاده اما از میان نرفته است. فشار و تحریک اسرائیل همچنان پابرجا خواهد ماند و روزی در آینده تشدید خواهد شد و هرچه که درباره زمان گفته شود به این پرسش اساسی پاسخ نمی‌گوید که تسلیحاتی هسته‌ای ایران اگر سرانجام از آن ممانعت نشود حقیقتاً چه ضرری در پی خواهد داشت و در مقابل توسل به جنگ چه زیان‌هایی در پی خواهد آورد.



عنوان: محدودیت‌های جدید هند در قبال ایران^۱

منبع: اکونومیست^۲

اعلام بانک مرکزی هند مبنی بر اینکه پرداخت پول برای واردات نفت ایران بیشتر از این نمی‌تواند از طریق اتحادیه مراودات پولی آسیایی «آسی.یو» صورت گیرد نشان می‌دهد که هند در تلاش است تا سیاست‌های خود را همزمان با بازگشت به شورای امنیت سازمان ملل با امور بین‌المللی وفق دهد در واقع این حرکت به دنبال لابی‌گری‌های آمریکا و اروپا صورت گرفته و در راستای تشدید فشارها علیه برنامه هسته‌ای ایران است زیرا که ایران تأمین‌کننده بزرگ نفت هند یعنی حدود ۱۳ درصد از واردات نفت این کشور است. در این میان، مهمترین پیامد این اقدام هند در تعاملاتش با ایران این است که برای پرداخت مالی هند برای نفت ایران موانع جدیدی بروز می‌کند. در این شرایط، ایران در تلاش است تا کانال‌های دیگر برای پرداخت وجوه نفت پیدا کند زیرا که ۴۰۰ هزار بشکه واردات روزانه نفت هند از ایران، سالیانه ارزشی معادل ۱۲ میلیارد دلار دارد. با این وجود، به نظر می‌رسد که هند در حال مطابقت با تلاش‌های آمریکا، اروپا و ژاپن است تا تمایلی نسبت به معاملات مالی با ایران نداشته باشد. از این رو شرکت‌های نفتی هند بیشتر و بیشتر ترغیب شده‌اند تا سرزمین‌های دورتر - به‌ویژه عربستان سعودی و آفریقای غربی (هند سخت در حال لابی‌گری برای محموله‌های جدید نفت از آنگولاست) - را برای نفت جستجو کنند.

1. Tipping the Scales, India's Energy Diplomacy, Economist, 8 January, 2011.

۲. از هفته‌نامه‌های معتبر در حوزه اقتصادی - سیاسی بین‌الملل است.



تصمیم بانک مرکزی هند هم می‌تواند باعث دلگرمی دیپلمات‌های غربی شود تا امیدوار باشند که هند که در جستجوی کرسی ثابت در شورای امنیت است، می‌تواند ترغیب شود تا در دور بعدی از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران حمایت کند.

نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که هند و ایران هنوز منافع مشترک دارند. آنها مخالفت دیرینه با طالبان در افغانستان دارند و مخالف حامیان طالبان در پاکستان هستند. سرمایه‌گذاران هندی امیدوارند تا روزی ایران میزبان خطوط لوله واردات گاز از آسیای مرکزی باشد و دیپلمات‌های هندی که عمیقاً تحت تأثیر تاریخ و پیشینه کشورشان به‌عنوان رهبر جنبش غیرمتعهدها هستند، ایده عقب افتادن از رهبری آمریکا را پس می‌زنند با این وجود هند در حال شکل‌دهی و گسترش روابط دوستانه با آمریکا نیز می‌باشد و شدیداً از ایده ظهور یک قدرت هسته‌ای دیگر در محدوده مشکل‌آفرین همسایه‌اش بیزار است. دیپلمات‌های هندی سه بار در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹، از راه‌حل‌های سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در انتقاد از ایران بر سر برنامه مخفی غنی‌سازی اورانیم حمایت کردند. اما علیرغم همه این مواضع و سیاست‌های دوگانه هند، نویسنده در پایان تأکید می‌کند که هیچ‌کدام از اینها تضمین نمی‌کند که هند، موضع شدیدی درباره ایران بگیرد با این حال، تغییرات کوچک اما مهم می‌تواند گاهی مؤثرترین باشد.



عنوان: ایرانیان واقعاً چه فکر می‌کنند؟^۱

نویسنده: عباس میلانی

منبع: The National Interest^۲

این مقاله با رویکردی انتقادی نسبت به یافته‌های برخی نظرسنجی‌ها در قبال تحولات داخلی ایران، به ارزیابی میزان اتکا به آنان در سیاستگذاری خارجی آمریکا پرداخته است. نویسنده با نگاهی انتقادی به آمارگیری‌های اخیر آمریکاییان از افکار عمومی ایرانیان، به سوء درک و تعبیرهای غربیان و به‌ویژه آمریکایی‌ها از مردم ایران در زمینه‌ای تاریخی اشاره می‌کند و شیوه‌های تبدیل انسان‌ها و افراد را به ارقام و آماری کلی‌گویانه که از طریق سؤال‌های از پیش تعیین شده پرسشنامه‌ای و بی‌رابطه با موقعیت و فردیت انحصاری پاسخ‌دهندگان و بی‌توجه به پشتوانه تاریخی و فرهنگی و سیاسی آنان تهیه می‌شود، به نقد می‌کشد. نویسنده در آغاز به بدفهمی بریتانیا و آمریکا از سقوط شاه در سال ۱۳۵۷ اشاره می‌کند و ناتوانی و شکست این دو دستگاه عظیم اطلاعاتی جهان را در پیش‌بینی این واقعه مهم تاریخی یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های دستگاه‌های اطلاعاتی در قرن بیستم می‌شمارد. در پی این شکست چشمگیر، دولت بریتانیا هیئتی را مأمور بازبینی و سنجش خطاهایی کرد که در قبال ایران وقوع یافته بود. این هیئت سه خطای اصلی یعنی نادیده گرفتن خشونت و قساوت ساواک، کمبود آگاهی از فساد نخبگان حاکم و عدم توجه به زندگی روشنفکری در ایران را در سیاست‌های بریتانیا تشخیص داد. نویسنده معتقد است

1. Abbas Milani, What Iranians Really Think, The National Interest, 4 January, 2011.

۲. از نشریات وابسته به جناح نئومحافظه‌کار آمریکاست.



امروز، سی سال پس از آن نتیجه‌گیری، شیوه مسلط سیاست آمریکا در قبال ایران دقیقاً به همان سه بیماری مبتلاست و پیش‌بینی می‌کند که با ادامه بن‌بست اتمی ایران، اکثریت جدید سیاستگذاران در مجلس نمایندگان آمریکا احتمالاً دولت اوباما را برای اتخاذ سختگیری‌های بیشتر بر حکومت ایران تحت فشار می‌گذارند و احتمالاً دامنه بحث درباره ثبات و قدرت مخالفان نظام ایران و اینکه آمریکا باید چه سیاستی در قبال ایران در پیش گیرد، گسترش خواهد یافت.

نویسنده معتقد است در آمریکا مسئله ثبات نظام ایران و قدرت و تداوم جنبش دمکراتیک مخالف آن را دستکم سه منبع مختلف زیر سؤال برده‌اند. یکی از این گروه‌ها که جنبش اخیر ایران را رد می‌کنند یا در آن به دیده تردید می‌نگرند، همان حامیان پیشین اما بی‌صبر همین جنبش هستند. آنها انتظار داشتند که سیاست‌های اقتصادی جدید حکومت، به‌ویژه آنجا که به افزایش شدید قیمت بسیاری از کالاهای اساسی منجر شد، به تظاهرات توده‌ای و شورش‌های گسترده منجر شود اما این مسئله به‌وقوع نپیوست.

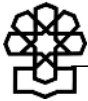
نویسنده سپس به مدافعین نظام ایران در درون آمریکا اشاره می‌کند که در توجیه‌های خود تداوم و مقاومت اپوزیسیون را نادیده می‌گیرند. آنها می‌گویند آنچه امروز آمریکا در ایران لازم دارد تکرار سیاست نیکسون در قبال چین است. به گفته آنان نظام ایران، مانند چین مائو، برقرار و ماندگار است و اپوزیسیون تنها ساخته ذهن تعداد محدودی ایرانی تبعیدی خوش‌خیال و حتی خیال‌باف یا در بهترین حالت جریان‌ی انحرافی و گذراست که در هر حال آمریکا نباید آن را به‌حساب آورد و در تعیین سیاست‌هایش در قبال ایران وزنی برایش قائل شود.



نویسنده سومین خطر بر سر راه سیاستگذاری آمریکا در قبال ایران را «کوبایی کردن» ایران می‌داند. این ایده در میان عده‌ای از محافظه‌کاران آمریکایی و تبعیدیان ایرانی مطرح است که با هرگونه سیاست ملزم کردن ایران، مخالفت و عناد می‌ورزند و آن را مصالحه تلقی می‌کنند. به نظر نویسنده، این گروه، درباره قدرت مخالفان یا اپوزیسیون و ضعف و شکنندگی نظام ایران راه اغراق می‌روند.

نویسنده سپس به نتایج نظرسنجی اخیر اشاره می‌کند که به نظر او بیش از همه موارد بالا نشان از بی‌خبری از فرهنگ و تاریخ ایران دارد. این نظرسنجی را مؤسسه تحقیقات و صلح بین‌المللی چارنی انجام داده و مدعی کشف گرایش‌های فکری تازه‌ای در ایران شده است. گرایش‌هایی که ادعاهای نظام جمهوری اسلامی و مدافعین آن در داخل آمریکا را تأیید می‌کند و اپوزیسیون ایران را ضعیف و حاشیه‌ای می‌شناسد.

نویسنده معتقد است که نظرسنجی در ایران، حتی در بهترین شرایط، کاری خطرناک است بنابراین نظرسنجی چارنی کوشیده است واقعیت حساسیت شدید نظام جمهوری اسلامی را به برگزاری هرگونه نظرسنجی مستقلی دور بزند و برای این کار یک «بانک تلفن» در استانبول به راه انداخته است. از ۳۰ ماه اوت تا ۷ سپتامبر ۲۰۱۰ به مدت یک هفته، این بانک به ۷۰۲ ایرانی تلفن زده و مخاطبان را مطمئن می‌کنند که این بررسی معرف نمونه‌واری از کل کشور است. این گزارش می‌نویسد: برخی از سؤال‌ها فقط از نیمی از این نمونه‌ها پرسیده شده است. البته گزارش نمی‌گوید که این پرسش‌ها که از نیمی از این جمعیت نمونه‌وار پرسیده نشده‌اند، کدام‌ها بوده‌اند و این جمعیت نمونه چگونه دست‌چین شده و چرا نیمی از پرسش‌ها از نیمی از پاسخ‌دهندگان پرسیده شده و چند تن از پرسش‌شوندگان از شرکت در نظرسنجی



خودداری کرده‌اند. نویسنده ادامه می‌دهد به‌جای این اطلاعات مهم، خیال ما را راحت می‌کنند که نظرسنجی تلفنی از گروه‌های مختلف نتایج تقریباً یکدستی را نشان می‌دهد که حاکی از آن است که چنین آمارگیری‌هایی می‌تواند بینش‌های باارزشی به بار آورد، اما برای هر کسی که با واقعیت‌های امروز در ایران آشناست حتی تصور اینکه ایرانیان صادقانه نظرهایشان را درباره موضوع‌های مهم سیاسی با یک بانک تلفن در استانبول در میان بگذارند، ناممکن است. نویسنده معتقد است که در هر نظرخواهی و در هر تلاشی که ادعا می‌کند با پرسیدن چند سؤال از چند صد نفر می‌تواند نقشه طرز فکر کل جمعیت یک کشور را ترسیم کند، عامل عجب و غرور نقش مهمی دارد. اما علاوه بر این نظرسنجی در ایران، چالش‌های خاصی را اقتضا می‌کند. زیرا که افرادی با قومیت‌ها و مذاهب مختلف در آن هستند و این تفاوت‌ها در مورد محل زندگی‌شان - در شهرهای بزرگ یا کوچک، روستاها و ایلات و عشایر - هم صدق می‌کند. این درحالی است که گزارش چارنی، براساس آنچه تاکنون از آن منتشر شده، درباره اینکه در این آمارگیری کدام یک از این عوامل در نظر گرفته شده‌اند چیزی نمی‌گوید. ما نمی‌دانیم مصاحبه‌ها به چه زبان‌هایی بوده‌اند و نمی‌دانیم پرسش‌کنندگان زن بوده‌اند یا مرد.

براین اساس، نویسنده معتقد است که همه کسانی که در ایران به تحقیقات میدانی دست زده‌اند، می‌دانند که هریک از این عوامل می‌تواند بر نتیجه یک آمارگیری تأثیر بگذارد. تجربه نشان می‌دهد که ایرانیان عموماً به آمارگیران و یا به هر آن کس که به‌نظر برسد کارگزاری دولتی است، اعتمادی ندارند. سابقه تاریخی استبداد در ایران سبب شده است که ایرانیان رفتارهای استدلالی پیچیده‌ای در پیش گیرند، همان که



تفاوت ظاهر و باطن خوانده می‌شود. این مسئله نه فقط آنچه ایرانیان می‌گویند را شکل می‌دهد، بلکه بر چگونه گفتن آن نیز تأثیر می‌گذارد. براین اساس، نویسنده معتقد است گذشته از این مسائل روش‌شناختی، نمونه‌های متعددی از عدم همخوانی داده‌ها در این یافته‌های اطلاعاتی وجود دارد. چنانچه که حدود ۷۱ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که خواستار داشتن بمب اتمی هستند. این با آمارگیری‌ای که در ماه می ۲۰۰۹ در مرکز افکار عمومی و بنیاد آمریکای نو تهیه شده در تضادی چشمگیر است. نتایج آن آمارگیری حاکی بود که ۵۲ درصد از جمعیت با توسعه برنامه‌های تسلیحات اتمی برای ایران مخالفند، نویسنده مقاله ادامه می‌دهد: این آمارگیری همچنین حکایت از آن دارد که ۶۰ درصد از مردم ایران به آینده کشور بسیار امیدوارند. با این همه، سه‌پنجم جمعیت امروز کشور زیر سی سال است و بیکاری در میان این گروه سنی بیش از ۲۵ درصد و نرخ طلاق به سرعت سیر صعودی می‌پیماید این چالش‌ها، به دشواری می‌تواند با امید به آینده سازگاری داشته باشد. نویسنده در پایان این مقاله نتیجه می‌گیرد که باید با مشاهده مستقیم واقعیات ایران به ارائه نظر در مورد آن پرداخت و اتکا بر این نظرسنجی‌ها قابل اعتماد نیست و واقعیت‌های انکارناپذیر از هرچه آمار است قابل اتکاترند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۶۶۳

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۳۹)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۲/۳